



۲۰۲۰/۱۰/۳۱



غزل گلشیری

زنان افغان از اینکه «قربانی صلح» خواهند شد، می هراسند

منتشرة جريدة "لوموند" Le Monde

۱۹ اکتوبر ۲۰۲۰

مترجم: سپرینه نوری موسی

اگر چه مذاکرات بین دولت کابل و طالبان در دوحه هنوز هیچگونه پیشرفتی نکرده است، ولی زنان افغان به علت



نیلوفر ایوبی مسؤل فابریکه موبل

حملات روز افزون ضد زن در کابل و از دست دادن آزادی محدودی که در چند سال اخیر به دست آورده اند، بسیار نگران هستند.

نیلوفر ایوبی هرگز بدون همراهی چند فرد مسلح از خانه خود خارج نمی شود. چندی قبل چند زن، یکی نماینده ولسی جرگه (پارلمان)، دیگرش اپولیس و نیز یک مبارز حقوق زن به قتل رسیدند.

نیلوفر ایوبی جوان ۲۵ ساله ایست که مدیر یک فابریکه تولید موبل در قسمت غرب کابل بوده و همچنین رئیس یک انجمن خیریه برای کمک به اطفال و مردم بیچاره می باشد. این نوع فعالیت های آشکار برای متعصبین منطقه قابل قبول نیست. خصوصاً اینکه تا همین اواخر خودش موتر می راند. او می گوید: «دولت قادر نیست از ما محافظت نماید.

بنا بر این ما باید خود ما این کار را به دوش بگیریم.»

در این اواخر او با همسر و سه فرزندش مجبور شد که کار و طرز زندگی خود را تغییر دهد. آپارتمانش در طبقه نهم یک بلند منزل در کارته چهار، روز و شب تحت نظارت محافظان شخصی قرار دارد.

در حالیکه مذاکرات تاریخی که بین دولت کابل و طالبان در ۱۲ سپتمبر آغاز گردیده ولی تا به حال به جانی نرسیده است و در نتیجه بازگشت صلح را بعد از ۴۰ سال جنگ به عقب انداخته است. نیلوفر ایوبی می گوید که او بیش از پیش برای آینده خود و کشورش نگران می باشد.

پس از عزیمت قوای امریکا از افغانستان به قرار توافق نامه ای که به تاریخ ۲۹ سپتمبر بین واشنگتن و طالبان امضاء گردید، راه برگشت برای شان باز می شود. سهم گیری طالبان در قدرت و در نتیجه تحمیل کردن تفسیر سختگیر قانون اسلام باعث ایجاد نگرانی در میان روشفکران افغان به خصوص زنان شده است زیرا اینها می

هراسند، حقوقی را که بعد از سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱ حاصل کرد اند، از دست دهند. که حق دسترسی به تحصیل و مشاغل از عمده ترین آن می باشد.

نیلوفر ایوبی اسرار می کند که: «قبل از مذاکرات، خاصاً زنان به طور قصدی مورد هدف و حمله قرار نمی گرفتند مگر بعد از آغاز دور دوم مذاکرات بین کابل و طالبان دیگر این چنین نیست و این یک هوشداری است برای زنان افغان خصوصاً برای آنانی که در دور میز مذاکره در دوحه نشسته اند.»

او در زمان طالبان کودک خورد سالی بود، ولی هرگز فراموش نخواهد کرد که روزی در حالیکه او چهار سال بیش نداشت و در سرک کندز سر لچ راه میرفت به دست طالبان افتاد. مرد طالب او را استاده کرد و گفت: «دختر استی! چرا چادر نپوشیدی؟ ... و بعد مرا سیلی زد و اخطار داد که دیگر از خانه بیرون نشوم. من هرگز این سیلی را فراموش نخواهم کرد.»

تا سن ۱۳ سالگی به توصیه پدرش و ادار به پوشیدن لباس های بچگانه بود که این در سراسر افغانستان به نام بچه پوشی رواج دارد و به همین دلیل تضمین دولت اسلامی طالبان برایش قابل قبول نیست. به گفته او اگر این اتفاق بیفتد دختر خود را خارج از کشور خواهد فرستاد. ولی از هیچ گونه سعی و کوشش نخواهد گذشت تا خودش بتواند در کشور باقی بماند.

سؤال ها و تشویش های این بخش جامعه افغانستان احتمالاً در میان هیئت مذاکره که از کابل به دوحه اعزام گردیده همچنان انعکاس یافته است.

فوزیه کوفی عضو هیئت دولت در دوحه است که خود به سبب حمله چند مرد مسلح در ۱۴ حوت در نزدیک کابل زخمی شده در یک مصاحبه تلففونی با اخبار لوموند [Le Monde] توضیح می دهد که: «سهمگیری زنان افغان در مذاکرات و نقش شان خود سبب خشونت مقابل زن از طرف گروه های مسلح در افغانستان می باشد. فعلاً عاملان این حمله مشخص نشده اند و طالبان از هر گونه شرکت در آن انکار می کنند.»

فوزیه کوفی از احتمال شکست گفت و گو های دوحه بسیار نگران است. به فکر وی عاقبت این شکست افزایش قتل مردم افغان خواهد بود.

همچنان او می ترسد که طالبان از تحمیل دید عقب گرا ایشان در مورد شریعت نگذرند، که به معنی برگشت به محدود شدن آزادی زن است مانند عدم دسترسی به تحصیل و بیرون رفتن از خانه بدون همراه مرد.

فخریه ممتاز در غرب کابل معلم «یوگا» است. او از اقلیت هزاره میباشد. در مورد آینده قریب بدون تردید میگوید: «



فخریه ممتاز معلم یوگا در کابل

بازگشت طالبان باعث امحای حقوق زنان خواهد شد در حالیکه در حال حاضر حقوق ما بسیار محدود است.» این زن افغان ۴۳ ساله خواهر و برادر خود را در جنگ های داخلی از دست داده است. او بنیان گذار اولین ستودیوی «یوگا» در افغانستان است. به گفته وی احتمال بازگشت طالبان و شرکت آنها در امور دولت و سیاست پیش از پیش راه افراط گرایان را باز خواهد کرد. حضور آشکار او در جریده ها و رسانه ها سبب تهدید او گردیده و تابستان گذشته بعضی از این اخوانی ها علیه

وی فتوایی اعلان کردند و جوانان را تشویق به کشتن او نمودند. او احتیاطاً فرزندانش را از مکتب کشیده و در آغاز سال تحصیلی آنها را در مکتب جدید شامل کرده. با تأسف میگوید که: «ما زنان افغان هم قربانی شده جنگ هستیم و هم قربانی شده صلح.»

مانند بسیاری زنانی که من در کابل دیدم، او با احساسات ابراز میدارد که ترک ما توسط جامعه بین المللی یک خیانت است. خصوصاً در قبال امریکا و جامعه بین المللی با عصبانیت میگوید: «همه آنها در افغانستان کار کردند و سعی کردند تا دیموکراسی و حقوق بشر کاملاً تطبیق شود، پس چگونه می توانند با عنصری که به این همه اصول عقیده ندارند مذاکره نمایند.»

گفتار رسمی دولت کابل در باره مذاکرات صلح دوحه بی تأثیر است. خشونت ها ادامه دارد. شورشیان مخالف صلح هر روز تسلط نظامی خود را بر کشور می افزایند. «در اواسط ماه اکتوبر جنگ شدید در هلمند آغاز گردید و ما هر روز در دفتر خبرنگاری از حملات نو می شنویم. نه تنها حملات کم نشده بلکه افزایش پیدا کرده اند.» اینرا **فرهناز فروتن** خبرنگار شناخته شده و معتبر کانال اول میگوید و می افزاید که «جریان آشتی ملی با دلگرمی و خوشبینی مواجه نمی شود.»

فرهناز فروتن از چند تن خبرنگار محدود زن بود که از آغاز مذاکرات خبرنگاری می کرد. در یکی از مصاحبه های



فرهناز فروتن ژورنالیست افغان

وی با یکی از اعضای هیئت شورشیان، عکس این زن جوان بدون چادر به سراسر انترنت چرخید و تا امروز سبب انتقاد و بحث می باشد.

فرهناز فروتن می افزاید: «من راستش را بگویم متوجه سر و حالتی نبودم. فقط سعی میکردم طرز فکر این مرد ها را بفهمم. من طالبان را برای اولین بار از نزدیک می دیدم و آن هم در فضای دور از جنگ. احساس عجیبی بود.»

در آغاز ماه اکتوبر در ختم برنامه «بحث کابل» او برای

بینندگان نشان می داد که چگونه چادرش را با سیخک به سر جایش نگاه می کند. این زن که نزد تمام همکارانش (بیشتر مرد ها) بسیار محترم است تأکید می کند: «من در افغانستان به احترام بینندگان سرم را می پوشانم مگر هیچ کس حق ندارد که اجباراً مرا به این کار وادار کند.»

فرهناز فروتن مانند تعدادی از زنان افغان که در جامعه امروز سهم دارند و موفق اند، صرف از خطر ناشی از حالت برجسته بودن آگاهست. اما هیچ چیز قادر عقب نشینی او نیست.

«ما نمی گذاریم که افراتیون موفق شوند از پیشرفت زنان جلوگیری کنند. در بسیاری مواقع زنان و دختران جوان در سراسر کشور مرا در آغوش می گیرند و ابراز تحسین میکنند در حالیکه من فقط کارم را اجراء می کنم. فرض کن مرا بکشند» اما آیا میتوان تمام زنان را کشت؟»

